بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ

سایت اینترنتی گلزارنور

http://golzarenoor.ir

مُناجات شَعبانیه

مُناجات شَعبانیه مناجاتی که از ابن خالویه روایت شده، از حضرت علی(ع) است که امامان(ع) پس از او نیز آن را قرائت می‌کردند. این مناجات را نمونه‌ای از تضرع و وصف حال برگزیده‌ترین بندگان صالح خدا به‌شمار آورده‌اند.

میرزا جواد ملکی عارف شیعی، مناجات شعبانیه را حاوی علوم فراوانی در چگونگی رفتار بنده با خدا، ادب دعا و استغفار معرفی کرده است.

این رازونیاز از مناجات‌های جلیل‌القدر ائمه(علیهم‌السلام) بوده و مشتمل بر مضامین بسیار بلندی است و هرگاه که حضور قلبی باشد، خواندن آن مناسب است.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاسْمَعْ دُعائِی إِذا دَعَوْتُكَ، وَاسْمَعْ نِدائِی إِذا نادَيْتُكَ، وَأَقْبِلْ عَلَىَّ إِذا ناجَيْتُكَ، فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ، وَوَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ مُسْتَكِيناً لَكَ، مُتَضَرِّعاً إِلَيْكَ، راجِياً لِما لَدَيْكَ ثَوابِی، وَتَعْلَمُ مَا فِی نَفْسِی، وَتَخْبُرُ حاجَتِی، وَتَعْرِفُ ضَمِيرِی، وَلَا يَخْفىٰ عَلَيْكَ أَمْرُ مُنْقَلَبِی وَمَثْواىَ، وَما أُرِيدُ أَنْ أُبْدِئَ بِهِ مِنْ مَنْطِقِی، وَأَتَفَوَّهُ بِهِ مِنْ طَلِبَتِی، وَأَرْجُوهُ لِعاقِبَتِی، وَقَدْ جَرَتْ مَقادِيرُكَ عَلَىَّ يَا سَيِّدِی فِيما يَكُونُ مِنِّی إِلىٰ آخِرِ عُمْرِی مِنْ سَرِيرَتِی وَعَلانِيَتِی وَبِيَدِكَ لَابِيَدِ غَيْرِكَ زِيادَتِی وَنَقْصِی وَنَفْعِی وَضَرِّی

خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و شنوای دعایم باش آنگاه که می‌خوانمت و صدایم را بشنو هنگامی که صدایت می‌کنم و به من توجّه کن هنگامی‌که با تو مناجات می‌نمایم، همانا به‌سوی تو گریختم و در حال درماندگی و زاری در برابرت ایستادم، پاداشی را که نزد توست امیدوارم، آنچه را که در درون دارم می‌دانی و حاجتم را خبر داری، نهانم را می‌شناسی، کار بازگشت به آخرت و خانه ابدی‌ام بر تو پوشیده نیست و آنچه می‌خواهم به زبان آرم و خواهش خویش را بازگو کنم و هم آنچه را که برای عاقبتم امید دارم، بر تو پنهان نیست، همانا آنچه برای من تقدیر کرده‌ای ای آقای من، در آنچه تا پایان عمر بر من فرود می‌آید از نهان و آشکارم جاری شده است و تنها به دست توست نه به دست غیر تو، فزونی و کاستی‌ام و سود و زیانم

إِلٰهِی إِنْ حَرَمْتَنِی فَمَنْ ذَا الَّذِی یَرْزُقُنِی ؟ وَ إِنْ خَذَلْتَنِی فَمَنْ ذَا الَّذِی یَنْصُرُنِی؛ إِلٰهِی أَعُوذُ بِكَ مِنْ غَضَبِكَ وَحُلُولِ سَخَطِكَ . إِلٰهِی إِنْ كُنْتُ غَیْرَ مُسْتَأْهِلٍ لِرَحْمَتِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَیَّ بِفَضْلِ سَعَتِكَ . إِلٰهِی كَأَنِّی بِنَفْسِی واقِفَةٌ بَیْنَ یَدَیْكَ وَقَدْ أَظَلَّها حُسْنُ تَوَكُّلِی عَلَیْكَ فَقُلْتَ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَتَغَمَّدْتَنِی بِعَفْوِكَ .

معبودم! اگر محرومم کنی پس کیست آن‌که به من روزی دهد؟ و اگر خوارم‌سازی پس کیست آن‌که به من یاری رساند؛ خدایا! به تو پناه می‌آورم از خشمت و از فرود آمدن غضبت. خدایا! اگر شایسته رحمتت نیستم، تو سزاواری که بر من با فراوانی فضلت بخشش کنی، معبودم! گویی من با همه هستی‌ام در برابرت ایستاده‌ام، درحالی‌که حسن اعتمادم به تو، بر وجودم سایه افکنده است و آنچه را تو شایسته آنی بر من جاری کرده‌ای و مرا با عفوت پوشانده‌ای

إِلٰهِی إِنْ عَفَوْتَ فَمَنْ أَوْلیٰ مِنْكَ بِذٰلِكَ ؟ وَ إِنْ كانَ قَدْ دَنا أَجَلِی وَلَمْ یُدْنِنِی مِنْكَ عَمَلِی فَقَدْ جَعَلْتُ الْإِقْرارَ بِالذَّنْبِ إِلَیْكَ وَسِیلَتِی . إِلٰهِی قَدْ جُرْتُ عَلیٰ نَفْسِی فِی النَّظَرِ لَها فَلَهَا الْوَیْلُ إِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَها . إِلٰهِی لَمْ یَزَلْ بِرُّكَ عَلَیَّ أَیَّامَ حَیاتِی فَلا تَقْطَعْ بِرَّكَ عَنِّی فِی مَماتِی

معبودم! اگر گذشت کنی، چه کسی از تو سزاوارتر به آن است؟و اگر مرگم نزدیک شده باشد و عملم مرا به تو نزدیک نکرده، اعترافم را به گناه، وسیله خویش به بارگاهت قرار دادم. معبودم بر وجودم در فرمان‌بردن از آن گناه بار کردم، پس وای بر او اگر او را نیامرزی، معبودم نیکی‌ات بر من در روزهای زندگی‌ام پیوسته بود، پس نیکی خویش را در هنگام مرگم از من قطع مکن

إِلٰهِی كَیفَ آیَسُ مِنْ حُسْنِ نَظَرِكَ لِی بَعْدَ مَماتِی وَأَنْتَ لَمْ تُوَلِّنِی إِلّا الْجَمِیلَ فِی حَیاتِی؛ إِلٰهِی تَوَلَّ مِنْ أَمْرِی مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَعُدْ عَلَیَّ بِفَضْلِكَ عَلیٰ مُذْنِبٍ قَدْ غَمَرَهُ جَهْلُهُ . إِلٰهِی قَدْ سَتَرْتَ عَلَیَّ ذُنُوباً فِی الدُّنْیا وَأَنَا أَحْوَجُ إِلیٰ سَتْرِها عَلَیَّ مِنْكَ فِی الْأُخْریٰ

معبودم چگونه از حسن توجهت پس از مرگم ناامید شوم؟ درحالی‌که در طول زندگی‌ام مرا جز به نیکی سرپرستی نکردی؛ خدایا کارم را چنان‌که سزاوار آنی بر عهده گیر، خدایا به‌سوی من با احسانت بازگرد، به‌سوی گناهکاری که جهلش سراپایش را پوشانده، خدایا گناهانی را در دنیا بر من پوشاندی که بر پوشاندن آن‌ها در آخرت نیازمندترم

إِلٰهِی قَدْ أَحْسَنْتَ إِلَیَّ إِذْ لَمْ تُظْهِرْها لِأَحَدٍ مِنْ عِبادِكَ الصَّالِحِینَ فَلا تَفْضَحْنِی یَوْمَ الْقِیامَةِ عَلیٰ رُؤُوسِ الْأَشْهادِ . إِلٰهِی جُودُكَ بَسَطَ أَمَلِی، وَعَفْوُكَ أَفْضَلُ مِنْ عَمَلِی . إِلٰهِی فَسُرَّنِی بِلِقائِكَ یَوْمَ تَقْضِی فِیهِ بَیْنَ عِبادِكَ إِلٰهِی اعْتِذارِی إِلَیْكَ اعْتِذارُ مَنْ لَمْ یَسْتَغْنِ عَنْ قَبُولِ عُذْرِهِ فَاقْبَلْ عُذْرِی یَا أَكْرَمَ مَنِ اعْتَذَرَ إِلَیْهِ الْمُسِیئُونَ

معبودم محققاً به من نیکی کردی چرا که گناهم را در دنیا برای هیچ‌یک از بندگان شایسته‌ات آشکار نکردی، پس مرا در قیامت در برابر دیدگان مردم رسوا مکن، معبودم جود تو آرزویم را گسترده ساخت و عفو تو از عمل من برتری گرفت. معبودم، روزی که در آن بین بندگانت داوری می‌کنی، مرا به لقائت

خوشحال کن. معبودم عذرخواهی من از پیشگاهت عذرخواهی کسی است که از پذیرفتن عذرش بی‌نیاز نگشته، پس عذرم را بپذیر ای کریم‌ترین کسی که بدکاران از او پوزش خواستند

إِلٰهِی لاتَرُدَّ حاجَتِی، وَلَا تُخَیِّبْ طَمَعِی، وَلَا تَقْطَعْ مِنْكَ رَجائِی وَأَمَلِی . إِلٰهِی لَوْ أَرَدْتَ هَوانِی لَمْ تَهْدِنِی، وَلَوْ أَرَدْتَ فَضِیحَتِی لَمْ تُعافِنِی . إِلٰهِی مَا أَظُنُّكَ تَرُدُّنِی فِی حاجَةٍ قَدْ أَفْنَیْتُ عُمْرِی فِی طَلَبِها مِنْكَ . إِلٰهِی فَلَكَ الْحَمْدُ أَبَداً أَبَداً دائِماً سَرْمَداً یَزِیدُ وَلَا یَبِیدُ كَما تُحِبُّ وَتَرْضیٰ

معبودم، حاجتم را برمگردان و طمعم را قرین نومیدی مساز و امید و آرزویم را از خود قطع مکن. معبودم، اگر خواری‌ام را می‌خواستی، هدایتم نمی‌کردی و اگر رسوایی‌ام را خواسته بودی سلامتی‌ام نمی‌بخشیدی، معبودم، این گمان را به تو ندارم که مرا در حاجتی که عمرم را در پیگیری‌اش سپری کرده‌ام، از درگاهت بازگردانی. معبودم تو را سپاس، سپاسی ابدی و جاودانه، همیشگی و بی‌پایان، سپاسی که افزون شود و نابود نگردد، آن‌گونه که پسندی و خشنود گردی

إِلٰهِی إِنْ أَخَذْتَنِی بِجُرْمِی أَخَذْتُكَ بِعَفْوِكَ، وَ إِنْ أَخَذْتَنِی بِذُنُوبِی أَخَذْتُكَ بِمَغْفِرَتِكَ، وَ إِنْ أَدْخَلْتَنِی النَّارَ أَعْلَمْتُ أَهْلَها أَنِّی أُحِبُّكَ . إِلٰهِی إِنْ كانَ صَغُرَ فِی جَنْبِ طاعَتِكَ عَمَلِی فَقَدْ كَبُرَ فِی جَنْبِ رَجائِكَ أَمَلِی

خدایا، اگر مرا بر جرمم بگیری، من نیز تو را به عفوت بگیرم و اگر به گناهانم بنگری، جز به آمرزشت ننگرم و اگر مرا وارد دوزخ کنی، به اهل آن آگاهی دهم که تو را دوست دارم. خدایا، اگر عملم در برابر طاعتت کوچک بوده، همانا از جهت امیدِ به تو آرزویم بزرگ است

إِلٰهِی كَیْفَ أَنْقَلِبُ مِنْ عِنْدِكَ بِالْخَیْبَةِ مَحْرُوماً وَقَدْ كانَ حُسْنُ ظَنِّی بِجُودِكَ أَنْ تَقْلِبَنِی بِالنَّجاةِ مَرْحُوماً ؟! إِلٰهِی وَقَدْ أَفْنَیْتُ عُمْرِی فِی شِرَّةِ السَّهْوِ عَنْكَ، وَأَبْلَیْتُ شَبابِی فِی سَكْرَةِ التَّباعُدِ مِنْكَ . إِلٰهِی فَلَمْ أَسْتَیْقِظْ أَیَّامَ اغْتِرارِی بِكَ، وَرُكُونِی إِلیٰ سَبِیلِ سَخَطِكَ

معبودم، چگونه از بارگاهت با نومیدی و محرومیت بازگردم، درحالی‌که خوش‌گمانی‌ام به بخشش و وجودت این بوده که مرا نجات‌یافته و بخشیده باز می‌گردانی، معبودم عمرم را در آزمندی بی‌خبری از تو نابود کردم و جوانی‌ام را در مستی دوری از تو فرسوده نمودم. معبودم در روزگار غرور نسبت به تو، بیدار نشدم و هنگام اعتماد کردنم به لذت‌های دنیا به خشم تو آگاه نگشتم

إِلٰهِی وَأَنَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ قائِمٌ بَیْنَ یَدَیْكَ، مُتَوَسِّلٌ بِكَرَمِكَ إِلَیْكَ . إِلٰهِی أَنَا عَبْدٌ أَتَنَصَّلُ إِلَیْكَ مِمَّا كُنْتُ أُواجِهُكَ بِهِ مِنْ قِلَّةِ اسْتِحْیائِی مِنْ نَظَرِكَ، وَأَطْلُبُ الْعَفْوَ مِنْكَ إِذِ الْعَفْوُ نَعْتٌ لِكَرَمِكَ . إِلٰهِی لَمْ یَكُنْ لِی حَوْلٌ فَأَنْتَقِلَ بِهِ عَنْ مَعْصِیَتِكَ إِلّا فِی وَقْتٍ أَیْقَظْتَنِی لِمَحَبَّتِكَ، وَكَما أَرَدْتَ أَنْ أَكُونَ كُنْتُ فَشَكَرْتُكَ بِإِدْخالِی فِی كَرَمِكَ، وَ لِتَطْهِیرِ قَلْبِی مِنْ أَوْساخِ الْغَفْلَةِ عَنْكَ

معبودم، و من بنده تو و فرزند بنده توأم، در برابرت ایستاده‌ام، به وسیلهٔ بزرگواری‌ات به حضرت تو متوسّلم. معبودم، بنده‌ای هستم که به درگاهت از آنچه با آن با تو روبرو بوده‌ام از کمی حیایم از مراقبتت نسبت به من بیزاری می‌جویم و از تو درخواست گذشت می‌کنم، زیرا گذشت صفتی درخور کرم توست. معبودم برایم نیرویی نیست که خود را به‌وسیله آن از عرصه نافرمانی‌ات بیرون برم، مگر آنگاه که به محبّتت بیدارم سازی و آن‌چنان‌که خواستی باشم، پس تو را سپاس می‌گذارم، برای اینکه در آستان بزرگواری‌ات واردم کردی و هم اینکه دلم را از آلایه‌های بی‌خبری از حضرتت پاک نمودی

إِلٰهِی انْظُرْ إِلَیَّ نَظَرَ مَنْ نادَیْتَهُ فَأَجابَكَ، وَاسْتَعْمَلْتَهُ بِمَعُونَتِكَ فَأَطاعَكَ، یَا قَرِیباً لَایَبْعُدُ عَنِ الْمُغْتَرِّ بِهِ، وَیا جَواداً لَایَبْخَلُ عَمَّنْ رَجا ثَوابَهُ . إِلٰهِی هَبْ لِی قَلْباً یُدْنِیهِ مِنْكَ شَوْقُهُ، وَ لِساناً یُرْفَعُ إِلَیْكَ صِدْقُهُ، وَنَظَراً یُقَرِّبُهُ مِنْكَ حَقُّهُ . إِلٰهِی إِنَّ مَنْ تَعَرَّفَ بِكَ غَیْرُ مَجْهُولٍ، وَمَنْ لاذَبِكَ غَیْرُ مَخْذُولٍ، وَمَنْ أَقْبَلْتَ عَلَیْهِ غَیْرُ مَمْلُوكٍ [مَمْلُولٍ]

معبودم، بر من نظر کن، نظر به کسی که صدایش کردی و تو را اجابت کرد و به یاری‌ات به کارش گماشتی و او از تو اطاعت کرد، ای نزدیکی که از فریفتگان دور نمی‌شود و ای سخاوتمندی که از امید بستگان به پاداشش دریغ نمی‌ورزد. معبودم، قلبی به من عطا کن که اشتیاقش او را به تو نزدیک کند و زبانی که صدقش به‌جانب تو بالا برده شود و نگاهی که حق بودنش او را به تو نزدیک نماید، معبودم، کسی که به تو شناخته شد، ناشناخته نیست و آن‌که به تو پناهنده شد خوار نیست و هرکه را تو به او روی آوری برده نیست

إِلٰهِی إِنَّ مَنِ انْتَهَجَ بِكَ لَمُسْتَنِیرٌ، وَ إِنَّ مَنِ اعْتَصَمَ بِكَ لَمُسْتَجِیرٌ، وَقَدْ لُذْتُ بِكَ یَا إِلٰهِی فَلا تُخَیِّبْ ظَنِّی مِنْ رَحْمَتِكَ، وَلَا تَحْجُبْنِی عَنْ رَأْفَتِكَ . إِلٰهِی أَقِمْنِی فِی أَهْلِ وِلایَتِكَ مُقامَ مَنْ رَجَا الزِّیادَةَ مِنْ مَحَبَّتِكَ . إِلٰهِی وَأَلْهِمْنِی وَلَهاً بِذِكْرِكَ إِلىٰ ذِكْرِكَ، وَهِمَّتِی فِی رَوْحِ نَجاحِ أَسْمائِكَ وَمَحَلِّ قُدْسِكَ . إِلٰهِی بِكَ عَلَیْكَ إِلّا أَلْحَقْتَنِی بِمَحَلِّ أَهْلِ طاعَتِكَ، وَالْمَثْوَی الصّالِحِ مِنْ مَرْضاتِكَ، فَإِنِّی لَاأَقْدِرُ لِنَفْسِی دَفْعاً، وَلا أَمْلِكُ لَها نَفْعاً

معبودم، آن‌که به تو راه جوید راهش روشن است و آن‌که به تو پناه جوید در پناه توست و من به تو پناه آوردم ای معبودم، پس گمانم را از رحمتت ناامید مکن و از مهربانی‌ات محرومم مساز، معبودم، در میان اهل ولایتت برنشانم، نشاندن آن‌که به افزون شدن محبّتت امید بسته، معبودم، شیفتگی به ذکرت را پیوسته به من الهام کن و همّتم را در نسیم کامیابی نام‌هایت و جایگاه قدست قرار ده. معبودم به‌حق خودت بر خودت، مرا به جایگاه اهل طاعتت و جایگاه شایسته بر ساخته از خشنودی‌ات برسان، زیرا که من نه بر دفعی از خود قدرت دارم و نه بر نفع خویش مالک هستم

إِلٰهِی أَنَا عَبْدُكَ الضَّعِیفُ الْمُذْنِبُ، وَمَمْلُوكُكَ الْمُنِیبُ فَلاٰ تَجْعَلْنِی مِمَّنْ صَرَفْتَ عَنْهُ وَجْهَكَ، وَحَجَبَهُ سَهْوُهُ عَنْ عَفْوِكَ . إِلٰهِی هَبْ لِی كَمالَ الانْقِطاعِ إِلَیْكَ، وَأَنِرْ أَبْصارَ قُلُوبِنا بِضِیاءِ نَظَرِها إِلَیْكَ، حَتّىٰ تَخْرِقَ أَبْصارُ الْقُلُوبِ حُجُبَ النُّورِ فَتَصِلَ إِلىٰ مَعْدِنِ الْعَظَمَةِ، وَتَصِیرَ أَرْواحُنا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ. إِلٰهِی وَاجْعَلْنِی مِمَّنْ نادَیْتَهُ فَأَجابَكَ، وَلاحَظْتَهُ فَصَعِقَ لِجَلالِكَ، فَناجَیْتَهُ سِرّاً وَعَمِلَ لَكَ جَهْراً

معبودم، من بنده ناتوان گنه‌کار توأم و برده توبه‌کننده به پیشگاهت، مرا از کسانی که رویت را از آنان برگرداندی قرار مده و نه از کسانی که غفلتشان از بخششت محرومشان نموده. معبودم کمال جدایی از مخلوقات را، برای رسیدن کامل به خودت به من ارزانی کن و دیدگان دل‌هایمان را به پرتو نگاه به‌سوی خویش روشن کن تا دیدگان دل، پرده‌های نور را دریده و به سرچشمه عظمت دست یابد و جان‌هایمان آویخته به شکوه قدست گردد، خدایا مرا از کسانی قرار ده که صدایشان کردی، پس پاسخت دادند، به آن‌ها توجه فرمودی، پس در برابر بزرگی‌ات مدهوش شدند و با آنان راز پنهان گفتی و آنان آشکارا برای تو کار کردند

إِلٰهِی لَمْ أُسَلِّطْ عَلیٰ حُسْنِ ظَنِّی قُنُوطَ الْأَیاسِ، وَلَا انْقَطَعَ رَجائِی مِنْ جَمِیلِ کَرَمِكَ . إِلٰهِی إِنْ کانَتِ الْخَطایَا قَدْ أَسْقَطَتْنِی لَدَیْكَ فَاصْفَحْ عَنِّی بِحُسْنِ تَوَکُّلِی عَلَیْكَ . إِلٰهِی إِنْ حَطَّتْنِی الذُّنُوبُ مِنْ مَکارِمِ لُطْفِكَ فَقَدْ نَبَّهَنِی الْیَقِینُ إِلیٰ کَرَمِ عَطْفِكَ . إِلٰهِی إِنْ أَنامَتْنِی الْغَفْلَةُ عَنِ الاسْتِعْدادِ لِلِقائِكَ فَقَدْ نَبَّهَتْنِی الْمَعْرِفَةُ بِکَرَمِ آلائِكَ

معبودم، بر خوش‌بینی‌ام ناامیدی و یأس را چیره نسازم و امیدم از زیبایی کرمت قطع نشود. معبودم، اگر خطاهایم مرا از نظرت انداخته، به خاطر حسن اعتمادم بر تو از من چشم‌پوشی کن. معبودم، اگر گناهان از جایگاه شرافتمندانه لطفت مرا پائین آورده، اما یقین به کرم عطوفتت هشیارم کرده. معبودم، اگر غفلت از آماده شدن برای دیدارت به خوابم فرو برده، ولی معرفت به نعمت‌های کریمانه‌ات مرا بیدار ساخته است

إِلٰهِی إِنْ دَعانِی إِلَی النَّارِ عَظِیمُ عِقابِكَ فَقَدْ دَعانِی إِلَی الْجَنَّةِ جَزِیلُ ثَوابِكَ . إِلٰهِی فَلَكَ أَسْأَلُ وَ إِلَیْكَ أَبْتَهِلُ وَأَرْغَبُ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَنِی مِمَّنْ یُدِیمُ ذِکْرَكَ، وَلَا یَنْقُضُ عَهْدَكَ، وَلَا یَغْفُلُ عَنْ شُکْرِكَ، وَلَا یَسْتَخِفُّ بِأَمْرِكَ

معبودم، اگر بزرگی مجازاتت مرا به‌سوی آتش فرا خوانده، هرآینه ثواب برجسته‌ات مرا به‌سوی بهشت دعوت کرده، معبودم، از تو می‌خواهم و به پیشگاهت زاری نموده و شوق می‌ورزم و از تو می‌خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و مرا از کسانی قرار دهی که ذکرت را همواره بر زبان دارند و پیمانت را نمی‌شکنند و از سپاست غافل نمی‌شوند و فرمانت را سبک نمی‌شمارند

إِلٰهِی وَأَلْحِقْنِی بِنُورِ عِزِّكَ الْأَبْهَجِ فَأَکُونَ لَكَ عارِفاً، وَعَنْ سِواكَ مُنْحَرِفاً، وَمِنْكَ خائِفاً مُراقِباً، یَا ذَا الْجَلالِ وَالْإِکْرامِ، وَصَلَّی اللّٰهُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ رَسُولِهِ وَآلِهِ الطَّاهِرِینَ وَسَلَّمَ تَسْلِیماً کَثِیراً.

خدایا، مرا به نور عزّت بسیار زیبایت برسان تا عارف به وجودت گردم و از غیر تو روی‌گردان شوم و از تو هراسان و برحذر باشم، ای دارای بزرگی و رأفت و محبت و درود خدا و سلام بسیار او بر محمّد فرستاده‌اش و برخاندان پاکش باد.

سایت اینترنتی گلزارنور

http://golzarenoor.ir